

طلمبی گفته است: «افسوس که جوان نمی‌داند و پیر نمی‌تواند».

در میان سخنان و پندهای بزرگ‌ترها، این عبارت زیاد به کار می‌رود:

«ای کاش وقتی جوان بودیم، کسی به ما می‌گفت، چه کار کنیم تا در آینده وضع بهتری داشتیم»؛ یا اینکه «اگر کسی به من می‌گفت چه کار کنم، الآن حتماً وضع بهتری داشتم».

اگر در پاسخ به حرف آنها بگوییم: «ما همی را هر وقت از آب بگیریم تازه است»، آه بلندی می‌کشند و می‌گویند: «هی! دیگر آن نیرو و انرژی جوانی در ما نیست». راست هم می‌گویند. آنها فرصت‌های زیادی را از دست داده‌اند. هر حرکت ناپایدار ساعت، ما را از فرصت‌هایی که در اختیارمان هست، دور می‌کند.

مبادا کذب‌شایبان عمر را مسخره بگیرند یا به حرف بزرگ‌ترهاییان گوش نکنند و از تجربه‌های آنان، بهره‌نگیرند. اگر چنین کنید، پانزده یا بیست سال دیگر، به خود یا به دیگری خواهید گفت: «ای کاش کسی را داشتیم که...».



"درس چهارم"

"سفر شکفتن"

معنی کلمات:

افسوس: حسرت، دریغ

پند: اندرز، نصیحت

وضع: حال، مفرد کلمه‌ی اوضاع

فرصت: وقت، زمان، مهلت

شتابان: به سرعت

مسخره: ریشخند، استهزا

بهره: نصیب، در این درس: استفاده

تصور: فکر، اندیشه، پندار

نصیب: بهره، قسمت

اعتبار: آبرو، قدر، ارزش

عاطفه: مهر، محبت
آرمانی: ایده‌آل، مطابق آرزو، دلخواه
منطقی: عقلانی، سنجیده
سرشار: پُر
انسانیت: مردمی، مروت
اصول: روش، قوانین
فراز: بلندی، سربالایی
نشیب: سرازیری، شیب
دائمی: همیشگی
مهارت: تردستی، ماهر، استاد
دشواری: سختی
ابزار: وسایل
مراسم: آداب و سنن
آراسته: زیبا، نیکو
مشقت: سختی
استعداد: توانایی، ذوق، شایستگی
مؤثر: کارآمد، اثرگذار
سنجیده: حساب شده، دقیق

موقعیت: وضعیت مناسب، جایگاه
تدبیر: چاره‌اندیشی، درایت، سیاست
چیرگی: تسلط، غلبه، برتری
هیجان: شور و جوش و خروش
نفرت: بیزاری، بی‌میلی
خلاق: سازنده، مبتکر
رویارویی: مقابله، مواجهه، دیدار
توکل: اعتماد کردن، کار خود به خدا وا گذاشتن
طراوت: تازگی، خرمی، شادابی

هم خانواده:

حكيم: حكما

وضع: اوضاع، مواضع

اختيار: مُخَيَّر

گذر: گذران

مسخره: سُخره، تَمَسُّخُر

تجربه: مُجَرَّب، تجارب

قدرت: مقتدر

تصور: صُور

موفق: توفيق، موافق

شغل: اشتغال، مشاغل

اعتبار: معتبر

عالی: متعالی

احترام: محترم

عاطفه: عطوفت

اصول: اصل

سفر: مسافر

لذت: لذائذ، لذيذ

لازم: ملزوم، لوازم

مذهبی: مذهب

دعا: داعی

شرکت: مشارکت، شریک

خاص: مخصوص، خصوصی

حس: احساس، محسوس

آراسته: آرایش

مشقت: شقی، شاق

نظیر: ناظر، منظور، نظر

استعداد: مستعد

ضعف: ضعیف، مستضعف

مؤثر: تأثیر، اثر

سنجیده: سنجش، سنجه

تصمیم: مصمم

ارتباط: مرتبط، ربط

تدبیر: مدبّر

مهم: أهمّ

چیرگی: چیره

احساسات: حواس

هیجان: تهییج

عشق: عاشق، معشوق، عُشّاق، عَشَقَه

تفکر: فکر، افکار، متفکر، فکور

خلاق: خلق، مخلوق، خلقت

کشف: اکتشاف، کاشف

توکل: وکیل

متضاد:

جوان # پیر

زیاد # کم

بهتر # بدتر

پاسخ # پرسش

تازه # کهنه

بلند # کوتاه

دور # نزدیک

شتابان # آرام

آینده # گذشته

شیرین # تلخ

بداخلاق # خوش اخلاق

طولانی # کم

فراز # فرود

نشیب: فراز

دائمی # موقتی

دشواری # آسانی

خاص # عام
مناسب # نامناسب
آراسته # ژولیده
مشقت: راحتی
ضعف: قدرت
درست # نادرست
عشق # نفرت
خشم # مهربانی
ترس: شجاعت
شادی # غم

ترکیب‌های وصفی:

وضع بهتر
آه بلندی
فرصت‌های زیاد
زندگی شیرین
انسان بی‌عاطفه
زندگی آرمانی
آداب خاص
لباس مناسب
ارتباط درست
موقعیت‌های مهم
تفکر خلاق
راه‌حل‌های جدید
تصویر رؤیایی
درآمد عالی

ترکیب‌های اضافی:

انرژی جوانی
حرکت ثانیه‌شمار
قدرت خیال
خیال کسی
یادگیری اصول
دشواری‌های سفر
شناخت توانایی‌ها
مهار احساسات

کنایه:

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است: برای شروع کردن و جبران کردن هیچ‌گاه دیر نیست.

تشبیه:

"سفر شکفتن"

شکفتن: مشبه سفر: مشبه به وجه شبه: نشاط و
شکوفایی

"زندگی یک سفر است" (سفر زندگی)

زندگی: مشبه سفر: مشبه به وجه شبه:
تجربه، یادگیری

تهیه و تنظیم: شریفه شاه‌طالبی / دبیرستان دخترانه‌ی شمیم عترت

تهیه و تنظیم: شریفه شاه‌طالبی/ دبیرستان دخترانه‌ی شمیم عترت